

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Relationship of Wind God (Vay) and Sassanid Waving Ribbons
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

ارتباط ایزد باد (وای) با نوارهای در حال اهتزاز ساسانی*

مینا جلالیان**

کارشناس ارشد مطالعات عالی هنر، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۰ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۳۰ تاریخ انتشار: ۹۷/۱۱/۲۴

چکیده

نوارهای بلند، موج و در حال اهتزاز، از شاخصه‌های هنر دوران ساسانی است که علاوه بر حلقه قدرت و تاج شاه، بر لباس و کفش، اسب و کمان شاه و لباس ایزدان و همچنین در برخی حیوانات، اشیاء و گیاهان نیز دیده می‌شوند. نوارها جایگزین بال در حلقه قدرت شده‌اند و باید همان ارتباط را با نیروهای آسمانی تداعی کنند. هدف از ایجاد آثار دوره ساسانی، نشان دادن قدرت و پیروزمندی شاه و مشروعیت آن از طریق فره‌مندی شاه بوده است. باقی ماندن فره در شاه و افزونی آن به شرط پیروزی در جنگ و شکار معلوم بوده است. فره در زمان ساسانی معنایی معادل بخت و تقدیر داشته است. ایزد باد در قالب «وای» درنگ خدای» با زمان و مکان یکی و در آفرینش نقش دارد. همچنین گاه با سپهر یکی شمرده می‌شد. از این رو با بخت و تقدیر پیوند می‌خورد. «وای» با فره و ایزدانی که آورنده فره یا حافظ آن هستند مرتبط و همکار است. «وای» ایزد جنگ بوده و نابودکننده موجودات اهریمنی و ایزدی باران آور و نعمت‌بخش هم بوده است. بنابراین با جنگ و شکار و خویشکاری «نعمت‌بخشی» شاه در ارتباط است. از این رو «وای» با آنچه سبب فره‌مندی، حفظ فره و افزونی آن می‌شود ارتباط دارد و نماد مناسبی برای جایگزینی بال محسوب می‌شده است.

واژگان کلیدی

نوارهای ساسانی، ایزد باد (وای)، فره، فره‌افزون، نعمت‌بخشی.

مقدمه

آنها را شناخت و با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی آنها به توضیح و تفسیر نمادین این آثار پرداخت. توجه به این نکته که اصولاً هیچ موجود اساطیری در یک قالب تغییرناپذیر و نهایی نمی‌گنجد بسیار ضروری است. آنها غالباً در مراتب مختلفی متجلی می‌شوند، صورت متناقض به خود می‌گیرند و پیوسته در حال تغییر هستند. آنها در دوره‌ای پدید می‌آیند و سپس از خاطره‌ها محو می‌شوند، اما علی‌رغم همه دگرگونی‌ها، صفات آنها باقی می‌ماند و جلوه‌ای نو به خود می‌گیرد و سرانجام از خدایان دیگر و زمان و مکان دیگر سر بر می‌آورد (گویری، ۱۳۸۵: ۴۴).

اساطیر مجموعه‌ای است از تأثیرات متقابل عوامل اجتماعی - انسانی و طبیعی که از صافی روان انسان می‌گذرد، با نیازهای روانی - اجتماعی او هماهنگ می‌شود و همراه با آیین‌های مناسب خویش ظاهر می‌شود. هدف نهایی آن پدید آوردن سازش و تعادل بین انسان و پیچیدگی‌های روانی او با طبیعت پیرامون خویش است (بهار، ۱۳۹۶: ۴۱۱). برای بررسی آثار کهن هر قوم و ملت باید اسطوره‌ها، آیین‌ها و عقاید مذهبی

زردشتی عبارتند از: مهر، ناهید، بهرام، وای، تیشتر و سروش. در این میان مهر و ناهید و وای از اهمیت و رابطه عظیم برخوردار شده‌اند که در دوره ودایی همانند آنان دیده نمی‌شود (بهار، ۱۳۹۰: ۴۵).

از میان سه ایزد، وای نسبتاً ناشناخته‌تر است و این امر می‌تواند دو دلیل داشته باشد، یکی این که مهر و ناهید امتیازاتی گرفته و مظهر هر سه طبقه اجتماعی شده بودند، از این رو پیروان و معابد بیشتری داشتند و آثار و نمادهای زیادی از آنان باقی مانده که در نتیجه امروزه محققان بیشتری درباره آنان به پژوهش و نگارش پرداخته‌اند. دیگری، ویژگی ذاتی خود وای است که هم خود موجودی اثیری و اسرارآمیز است و هم تمام مظاهر مادی و طبیعی‌اش نامرئی هستند و ساختن نمادی برای آن بدون چیزی دیگر که مرئی باشد ممکن نیست. اما اگر ما امروز، به نسبت دیگر ایزدان، شناختی دقیق از این ایزد و آیین وابسته به او نداریم، الزاماً به این معنی نیست که در آن دوران هم چنین بوده باشد. شواهدی در دست است که وجود آیین وای و ستایش او را قبل و بعد از آیین زردشت در ایران نشان می‌دهد. به ویژه در دوران ساسانی، به زعم محققین و پژوهشگران، آیین وای - زروران رستاخیزی دوباره داشته است.

فرضیه

هنر ایران باستان، هنری نمادین است. یکی از این عناصر نمادین، نوارهای در حال اهتزاز ساسانی هستند که به نحوی اغراق‌آمیز در بسیاری جاها دیده می‌شوند. هنوز دلیلی بر چرایی در حال اهتزاز بودن این نوارها ارائه نشده است. اولین چیزی که با دیدن این نوارهای در حال اهتزاز به ذهن خطور می‌کند، وزش باد است. اما با توجه به این نکات که:

۱. هنر ساسانی نمادین و آرمان‌گرا است و واقع‌گرایی در آن، جایی ندارد.

۲. اهتزاز نوارها در جایی که امکان وزش باد وجود ندارد، مانند نشستن شاه بر تخت (تصویر ۱) و همچنین اهتزاز نوارها در جهت‌های مخالف در یک مکان (تصویر ۲)، نمی‌تواند ناشی از باد طبیعی باشد. لذا این فرضیه مطرح می‌شود که اهتزاز نوارها نشانه‌ای نمادین از باد و در ارتباط با ایزد باد «وای» باشد.

به این منظور، با تقسیم بندی صحنه‌ها و اشخاص و موجودات و اشیایی که دارای این نوارها هستند و با بررسی ویژگی‌های ایزد باد و ارتباط او با فره و آنچه باعث فره‌افزونی می‌شود، با در نظر گرفتن نقش شاه در دوره ساسانی و هدفی که از ایجاد این آثار داشته‌اند، تلاش می‌شود تا شواهد و دلایلی مبنی بر این ارتباط ارائه شود.

تلفیق و آمیزش باورها و جهان‌بینی‌ها، از طریق سنکرتیسم (syncretism) باعث می‌شود ایزدی کهن، با نام بهرام و آناهیتا ظهور کند.

زمانی که آریایی‌ها به ایران آمدند، ارتباط‌های قومی و فرهنگی اقوام بومی ایران و بین‌النهرین با یکدیگر به دورانی بیش از شش هزارسال می‌رسید و چنان پیوندی فرهنگی پدید آورده بود که حتی با آمدن آریاییان نیز گسسته نشد (بهار، ۱۳۹۶: ۴۰۰).

قبایل آریایی، کوچگرد و بنا بر شیوه زندگی خود دارای نظام اخلاقی‌ای بودند که در آن قدرت، خشونت و هر صفتی که دارای ارزش جنگی بود، محترم شمرده می‌شد. ایزدان مورد پرستش آنها نیز خصلتی جنگ‌جویانه داشتند و از قدرت و اسلحه‌های نیرومند برخوردار بودند.

از این رو اندرا، وایو، مهر، وهوم که اکثراً با جنگ و نعمت‌بخشی در ارتباط بودند، ارج و قربی داشتند (وکیلی، ۱۳۹۰: ۳۸۰ و ۳۸۷). سبک زندگی یک‌جانشینی نظم‌های پیشین را فرو ریخت. آریایی‌ها، کشاورزی، سیستم حکومتی، سه طبقه عالم و سه طبقه اجتماعی را از سومر اقتباس کردند. اما این چیزهای عاریتی را در جهت اهداف خویش به کار بردند. هدف آنها صرفاً قدرت بود: پیروزی و غنیمت (کمبل، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

ظهور زردشت و نظام دو قطبی آن، که اهورامزدا و اهریمن را در رأس همه نیروهای خیر و شر قرار می‌داد و برتری اهورامزدا بر همه ایزدان دیگر، سبب تغییراتی در ایزدان کهن شد. خدایان پیشین برای پذیرفته شدن در آیین زردشتی باید تغییراتی می‌کردند تا با این نظام اخلاقی جدید تطبیق یابند. ناگزیر ایزدان قبلی استقلال خود را از دست دادند و فروتر از اهورامزدا و در خدمت او قرار می‌گرفتند. اغلب اوقات، ایزدان گروهی مسئول انجام کاری می‌شوند. مثلاً در امر جنگ و پیروزی در جنگ، وای، مهر، بهرام، فروشی‌ها و حتی هوم و آناهیتا دخیل‌اند. در امر باران‌آوری، تیشتر، وای، اپام نپات همکاری دارند. از نظر خصلت‌های ذاتی نیز تغییراتی روی می‌دهد و بیشترین این تغییرات متعلق به ایزدان فضایی یا جو میانه است.

اندرا و وایو ایزدان قدرتمند طوفان و باد به سبب دو جنبه ذاتی‌شان، که هم یاری‌دهنده و پیروزکننده و باران‌آور بودند و هم مخرب و مهارناپذیر و مرگ‌آور، برای ورود به دین زردشتی با شکاف و تغییری اساسی مواجه شدند. اندرا به عنوان دیو طرد شد و صفات مقاومت‌شکنی و پیروگری او به بهرام منتقل شد. وایو نیز به دو بخش خوب و بد شکافته شد. اما همین پذیرفته شدن ایزدان کهن در آیین زردشتی که پیامبر قصد راندن و تضعیف آنها را داشت نشانگر ریشه‌دار بودن آیین‌ها و پرستش آنها در میان مردم بوده است. ایزدان مهم در دین

کلاه‌های گوناگون چون تیارا و میتر و کلاه بی‌لبه از نمد سفید بر سر می‌گذارند. دیهیم نیز در آن زمان رواج داشت که حلقه‌ای است طلائی که بلندی آن به پنج سانتی‌متر می‌رسد، با برگ و گل‌هایی از زر آرایش شده و بر سر پادشاه و ولیعهد به عنوان نشانه پیروزی و افتخار دیده می‌شود. «کورتیوس» می‌گوید: اسکندر نیز یک دیهیم ارغوانی و سفید به تقلید از پارسیان برگزید (غیبی، ۱۳۸۷: ۱۲۳ و ۱۲۲). پوشش سر اشکانیان نیز یا کلاهی بلند از نمد بود، یا کلاه نوارداری که نوارهایش گوهرنشان بود (همان: ۱۶۹). طرح پوشش سر و تاج در دوران ساسانی بسیار متنوع می‌شود. هر پادشاهی تاجی مخصوص خود بر سر می‌گذاشت که با نمادهای خاصی همراه بود. ویژگی هر تاج به عواملی چون خود شاه، قدرت دربار و سلطه موبدان بستگی داشت و چیرگی هر یک از این عوامل در فرم و شکل تاج مؤثر بود و تاج‌ها غالباً سمبلی از عامل غالب را در برداشتند.

تاج در حقیقت نشانه پیوند فرمانروا با نیروهای آسمانی بود و علائم و تزیینات آن نیز این مسئله را تأیید می‌کند، چنانکه بال‌های شاهین، پرتو خورشید، نقش ستاره و هلال ماه از این جمله هستند (جوادی و آوزرمانی، ۱۳۸۸: ۳۷).

با وجود تنوع تاج‌ها در دوره ساسانی آنچه همه جا به چشم می‌خورد دنباله‌های بلند و پهن و موج هستند که علاوه بر تاج و سر پادشاه و کمر و مچ پای او در لباس ایزدان و موجودات و اشیای دیگر هم دیده می‌شوند. از جمله:

۱. حیوانات: نظیر اسب شاه، قوچ، آهو، شیر، گوزن...
۲. اشیاء: نظیر حلقه قدرت، کمان پادشاه، آتشدان، هلال ماه و گیاهانی نظیر انار و نخل (تصاویر ۳ الی ۵).

دیدن این نوارها در این دوره چنین نمودی یافته‌اند؟ دو اظهار نظر توسط «پوپ» و «گیرشمن» درباره این نوارها ارایه شده است. پوپ معتقد است که شاید تقلیدی از باریکه‌های ابر باشد، به منظور آن که ارتباط شاه را با قدرت‌های آسمانی نشان دهد (پوپ، ۱۳۳۸: ۳۸). گیرشمن نیز درباره نوارهای اسب بالدار استودان بیشاپور می‌نویسد: نوارهای مواجی که به گردن و زیر زانوان او بسته شده و هلال گوی‌داری که بر بالای پیشانی‌اش قرار دارد و منظره «تقدس‌آمیزش» را نشان می‌دهد که آن نیز یک مظهر نیروی شاهی است که ایزدی آن را تقدیس کرده است (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۲۲۹).

بعضی از پژوهشگران بر آن هستند که این نوارها نماد فره سلطنت هستند. وجود نوار بر حلقه سلطنت و تاج شاه این نظر را تقویت می‌کند. اما این که چرا این نوارها حتی در لباس ایزدان و بسیاری جاها و چیزهای دیگر تکرار می‌شوند و مهمتر این که چرا در حال اهتزازند، چیزی است که می‌توان



تصویر ۱. شاه نشسته بر تخت. مأخذ: پوربهمن، ۱۳۸۶.



تصویر ۲. تاج‌گیری نرسی از اناهیتا_ نقش رستم. مأخذ: پوربهمن، ۱۳۸۶.

نوارهای در حال اهتزاز ساسانی

یکی از شاخصه‌های هنر ساسانی نوارهایی پهن، بلند و مواج هستند که به نحوی اغراق‌آمیز تکرار می‌شوند و اکثراً رو به بالا در حال اهتزازند.

سابقه این نوارها که فقط روی سر و کلاه وجود داشته به دوران مادها برمی‌گردد، که موها را با نوار سرخی می‌بستند «ویل کاکس» اشاره می‌کند که افراد خانواده سلطنتی

از ایزدان ۳. نبرد شاه با دشمن و پیروزی بر او ۴. شکار شاهانه، حلقه سلطنت و حیوانات و اشیای منفرد نظیر آتشدان، هلال ماه، انار و نخل.

برای پی بردن به هدف و منظور شاهان ساسانی از ایجاد چنین آثاری باید به نقش شاه در دوره ساسانی اشاره کرد. می توان سلطنت را در دوران ساسانی دارای این ویژگی ها دانست :

۱. شاه سرشتی ایزدی دارد و برگزیده خدایان است، زیرا فره سلطنت از آن او بوده و تقدیر بر این کار قرار داشته است. شاه مقدس بوده و فوق مردمان شمرده می شده و فرمان او مطاع بوده است.

فراخی نعمت و امنیت جامعه و مرزها بر اثر فره مند بودن شاه بوده است. شاه بی فره، یعنی شاهی که مورد اعتماد خدایان و در رأس آنها اهورامزدا نیست (بهار، ۱۳۸۱: ۵۰۳).

نتیجه این که قسمت مهمی از قدرت الهی نصیب شاه می شد همین نیروی باطنی بود که برای کشور و اتباع او همه منافع، از فراوانی و نعمت و آسایش و پیروزی در جنگ را به بار می آورد. از میان رفتن هریک از این منافع نشانه آن بود که عنایت الهی سلب شده و شاه ممکن است تغییر یابد. این که قدرت آسمانی هنوز در وجود شخص شاه باقی است، از پیروزی او در شکار معلوم می شد (پوپ، ۱۳۳۸: ۵۳).

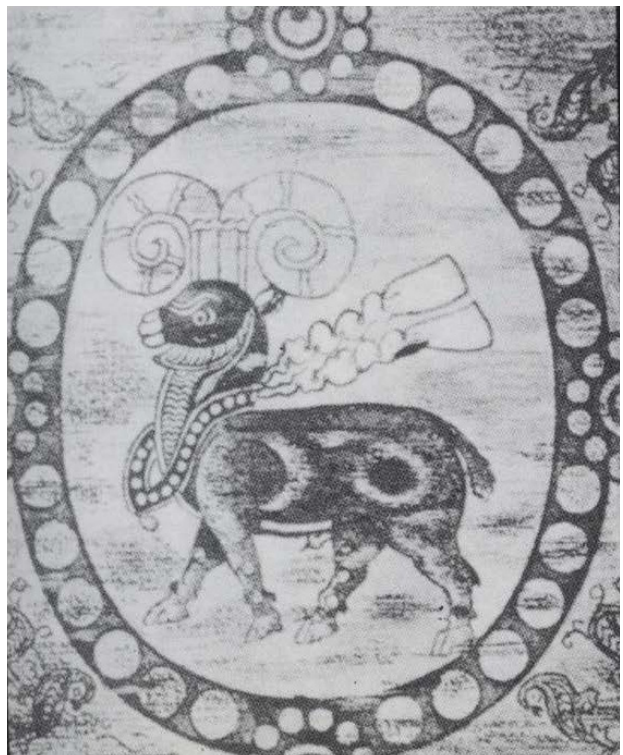
هدف از ایجاد آثار هنری ساسانی با توجه به نقش شاه در این دوره نشان دادن فره مندی، تقدیر نیکو و قدرت و عظمت شاه بوده است، و به طور ضمنی گوشزد کردن این نکته که هر نوع دسیسه و شورش و نافرمانی بر علیه شاه که نماینده و مورد حمایت اهورامزدا و ایزدان بوده، محکوم به شکست است. اعتقاد به فره ریشه ای قدیمی در دین و فرهنگ ساکنان نجد ایران و بین النهرین داشت. فره انواع گوناگون دارد :

در اوستا خورنه به معنی فره، فر و شکوه است. فره اهورامزدا و امشاسپندان، فره ایزدان و سوشیانسها، فره پادشاهان و پهلوانان فره در اثر خویشکاری به دست می آید و خویشکاری رابط این نیروی کیهانی و جهان انسانی است. از ویژگی های فره، اضافه، کم شدن یا از دست رفتن آن است. در بندهش فره کیان ویژه پادشاهان است و به وسیله ارتکاب گناه از شاه دور می شود (گوپری، ۱۳۸۵: ۱۵۰). در ادبیات اوستایی و پهلوی، فره با برکت، اقبال و خواسته مربوط است.

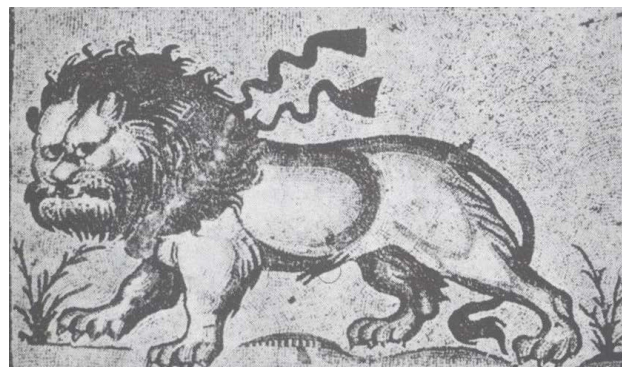
پیروزی در جنگ و شکار توسط شاهان نه تنها نشانه وجود فره سلطنت در آنها بود، بلکه باعث افزایش فر نیز می شد و چیزی که به صورت واژه «فره افزون» در پشت بعضی سکه های ساسانی دیده می شود. مسکوکات خسرو دوم ساسانی با سکه های قبلی تفاوت دارد. علاوه بر افزایش سه دایره مدرج به دور نیم تنه شاه در روی سکه و دو دایره دیگر



تصویر ۳. سکه با نقش هرمز اول و آتشدان در پشت سکه. مأخذ: محمدنایه، ۱۳۸۵.



تصویر ۴. قوچ نواردار، مأخذ: گیرشمن، ۱۳۷۰.



تصویر ۵. شیرنواردار، مأخذ: گیرشمن، ۱۳۷۰.

با دسته بندی صحنه ها و عناصری که دارای نوار هستند و بررسی آنها بر مبنای موضوعات صحنه ها روشن کرد. این صحنه ها عبارتند از: ۱. جلوس شاه بر تخت ۲. تاج گیری شاه

قلمرو اهورامزدا و اهریمن. خصلت دو پهلوی باد از کرده یازدهم رامیشت پیداست :

• اندروای نام من است که هر دو آفرینش، هم مخلوق سپندمینو و هم مخلوق انگره مینو را می‌رانم.
• بر همه چیره‌شونده نام من است که من بر هر دو آفرینش سپندمینو و انگره‌مینو چیرگی می‌یابم (پورداوود، ۱۳۵۶: ۱۵۳).

وای پس از ورود و جذب در آیین زردشتی به دو بخش خوب و بد تقسیم می‌شود. «وای وه» (وای به- وای نیک) در جبهه اهورامزدا قرار می‌گیرد و «وای وت» (وای بد) به جبهه اهریمن می‌پیوندد. بنابراین تمام قدرت‌ها و ویژگی‌های وای در جهت پیروزی خیر و بر علیه نیروی شر قرار می‌گیرد. وایو، زیبا، تندرو چون خیال و دارای هزار چشم است. گردونه درخشان او را اسب‌های سرخ و گلگونی که تعدادشان گاه به هزار می‌رسد، می‌کشند. صفتی که در اوستا همیشه برای وایو آورده می‌شود، «زبردست» است.

نقش وای در آفرینش: قبل از تازش اهریمن به جهان و آغاز مبارزه، اهورامزدا برای پیروزی تمهیدی اندیشید، و آن ایجاد محدوده و چارچوبی از زمان و مکان بود که آفرینش مادی جهان و مبارزه خیر و شر می‌بایست در آن انجام پذیرد. وای به عنوان ایزد فضای میانه (مکان) و به عنوان وای درنگ خدای (زمان محدود عالم) میدان کارزار اهورامزدا و اهریمن می‌شود.

در بندهش آمده: آنگاه تن وای نیکو را آفرید، همان‌گونه که «وای» را بایست. باشد که او را «وای درنگ خدای» فراز خوانند. آنگاه آفرینش را به یاری وای درنگ خدای آفرید، زیرا هنگامی که آفرینش را آفرید، وای نیز چون افزاری بود که او را به کار در بایست (بندهش، ۱۳۹۵: ۳۶). او که وای درنگ خدای است سلاح زروان است و باشد که سلاح هرمزد است که بدو زور شکست یابد (همان: ۱۱۱). باد و جو محلی را که در آن دو آفرینش تطور می‌یابد، تشکیل می‌دهد. اما وای بر هر دو اینها برتری دارد. او چون زمان درنگ خدای در ورای تضاد دو جهان قرار دارد (موله، ۱۳۷۷: ۳۷). القاب زروان داد (زاده زمان)، ثواشه جاودان (مکان جاودان)، خوداته (خودآفریده) پیوند و یگانگی وای را با زمان و مکان و نقشش را در آفرینش نشان می‌دهند. از همین‌جا ارتباط وای با بخت و تقدیر هم روشن می‌شود که بعداً اشاره خواهد شد.

وای، ایزد جنگ: وای نه تنها صحنه و مکان و زمان کارزار اهورامزدا و اهریمن است، بلکه خدای جنگ هم هست. در رامیشت که سراسر ستایش وای است، او با چهره جنگاوران پیدا شده است: دلیر، زرین‌خود، زرین‌تاج، زرین‌گردونه، زرین‌سلاح... او خود را نیزه سرتیز، نیزه سرپهن، نیزه آخته

به دور مجمر آتش در پشت سکه، واژه «فره‌افزون» نیز در پشت سکه ضرب شده است. دوایر مدرج مسکوکات و حلقه مروارید نمادهای فرّه‌ستند (همان: ۱۹).

نمادهای فرّه: فرّه به عنوان نمادی که تأیید الهی را در برداشت، مؤید قدرت پادشاهی بود. فرمانروایی که محتاج به تثبیت موقعیت خود بود همواره کوشش می‌کرد تأیید الهی را به بالاترین درجه نشان بدهد. به ناچار انواع نمادهای فرّه‌گسترش پیدا کرد (سودآور، ۱۳۸۳: ۱۳۶). مروارید و نیلوفر از نمادهای فرّه‌مهری محسوب می‌شوند.

سودآور می‌گوید: دنباله‌های بلند و متموج دستار مسلماً برای تداعی فرّه‌ای مهمتر یعنی «فرّه ایرانی» بوده است. زیرا در اشکات یشت، جنبش «باد زبردست» با آن همگام است و حاکی از ارتباط آن دو با یکدیگر است (همان: ۳۹).

در مورد سابقه این نوارهای در حال اهتزاز، سودآور به مصر اشاره می‌کند که برای نمایش «نفس حیات‌بخش»ی که به همراه انوار خورشیدی از آتون ساطع می‌شد و بر صورت‌های اخناتون و خانواده‌اش می‌وزید به کار می‌رفتند (همان: ۸۹). برای توضیح بیشتر باید گفت «شو»، خدا- هوای مصری که از عطسه آتوم خدای آفریننده زاده شده بود، از ریشه‌ای لغوی به معنای تهی یا خالی تشکیل شده است. شو در طبیعت خود یک پرتو خورشیدی نیرومند داشت. وی دربردارنده مفهوم هوای تراویده توسط پرتوهای خورشید بود. مفهومی که فرعون آخن آتن (خورشید-خدا) از آن استفاده کرد: زندگی کن رع- هورختی و در افق شادمان باش- به نام او، شو، که در آتن (قرص خورشید) است (برن، ۱۳۸۴: ۳۴۸). برای روشن‌شدن ارتباط خدا- هوای ایرانی یعنی «وای» با نماد فرّه و نشان دادن این که ایزد باد علاوه بر فرّه ایرانی، با فرّه ارتشتاری، فرّه‌پهلوانی، فروشی‌ها، فرّه به معنی بخت و اقبال و نیز با ایزدانی که آورنده یا حافظ فرّه‌اند ارتباط دارد، ویژگی ایزد باد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وای (وایو- ویو) ایزد باد

«وای» یا «وایو» یکی از کهن‌ترین و اسرارآمیزترین خدایان دوران هند و ایرانی است. ایزدی بوده که بر فضای میان گنبد آسمان و سطح زمین فرمان می‌راند است. در متون کهن معمولاً از عنوان «اندورا» (فضای خالی) به جای وای استفاده می‌شود (وکیلی، ۱۳۹۰: ۵۵).

وای ایزدی است فضایی و دو چهره که مانند سایر ایزدان فضایی هم بسیار قدرتمند و سریع است و با باران‌آوری و نعمت‌بخشی و یاری‌گری در پیوند است و هم در عین حال مخرب، ویرانگر و مرگبار است. این دو چهرگی به سبب قلمرویی است که در آن فرمانروایی می‌کند، یعنی ما بین

رخدادهای تصادفی شناخته می‌شود. اصطلاحاتی مانند: «ای وای»، «وای بر من» که در مواقع روبرو شدن با رخدادهای ناخوشایند گفته می‌شود، و یا ضرب‌المثل بادآورده را باد می‌برد که به شانس در به دست آوردن چیزی یا بد شانس در از دست دادن آن اشاره دارد و هنوز هم در زبان فارسی باقی مانده است، نشان از دیرپایی این باور و نقش وای در بخت و اقبال دارد. شاید بتوان گفت وای نیز همچون همتای بین‌النهرینی خود «انلیل (هوا-خدا) لوح تقدیر را که سرنوشت انسانها و خدایان را رقم می‌زد در دست داشت» (مک کال، ۱۳۷۳: ۳۵). در بندهش آمده: باد این زمین دارای زیروزبر، جان مردمان و گوسفندان (حیوانات) را نگاه می‌دارد. هر چیزی را نظم زمانه از باد است. چون به سودمندی وزد، آن را فرارون باد خوانند. چون به زیانمندی وزد، باد جان هیچ خوانند، زیرا همه چیز تباه و سست کرده شود (بندهش، ۱۳۹۵: ۹۴).

ارتباط ایزد باد با فروشی‌ها

نیاپرستی که از مذاهب بدوی اقوام بشری است، در پیام زردشت جا و مقامی ندارد، اما بعد در یشت‌ها ستایش فره‌وشی‌ها که ارواح نیاکان هستند جای آن را می‌گیرد یکی از راه‌های اثبات فره‌مندی شاه، از طریق وراثت و نسبت با شاه قبلی بوده است و می‌توانسته حمایت فروشی نیاکان تاجدار را به همراه داشته باشد که با باد پیوند دارند. در بندهش، جان با باد پیوسته است (تنفس و دم و بازدم) و هنگام مرگ هم جان به باد می‌پیوندد. فروشی افراد نیکوکار بعد از مرگ تا روز رستاخیز در میان زمین و آسمان (قلمرو وای) باقی می‌ماند و می‌تواند به مردم کمک کند. فروشی‌ها روان درگذشتگان نامداری هستند که همچنان تأثیر و نیروی خود را حفظ کرده‌اند و همچون جنگاورانی باز نموده می‌شوند که با باد پیوند دارند و در میدان‌های نبرد به یاری نوادگان می‌شتابند (وکیلی، ۱۳۹۰: ۲۹۸).

ارتباط باد با فره

فرّ، نور و فروغ ایزدی و درخشنده است. صفت «خوار ننگهوت» یعنی فرهمند در سراسر اوستا برای اهورامزدا و اندروای (وایو) به کار رفته است. در رامیشت صفت «وندی خوارته» صفتی است برای وایو، به معنی یابنده فرّ (پورداوود، ۱۳۵۶: ۳۱۳). ارتباط وای با تیشتر، ستاره درخشان و باران‌آور و ستاره فرّ ایرانی در اوستا آمده است. باد سبب جنباندن تیشتر می‌شود تا در سپیده‌دم در راهی دور از باد به سوی آب‌ها می‌شتابد (وکیلی، ۱۳۹۰: ۶۵). و فرّ مزدا آفریده، فرّ نیک مزدا آفریده و درمان و نیرو آورد (همان: ۱۲۰). باد نه تنها خود فرهمند است، بلکه با مظهر فرّ ایرانی تیشتر همکار و همچنین در آوردن فرّ برای آدمیان شرکت دارد.

می‌نامد. عده‌ای از شاهان و پهلوانان اسطوره‌ای از جمله خود اهورامزدا از وای برای پیروزی در مبارزه با اهریمن و دیوان و داشتن سلطنتی آرمانی یاری می‌خواهند و وای در خواست آنها را می‌پذیرد و کامشان روا می‌شود. در بندهش به صراحت «وای» خدای جنگ و مظهر طبقه ارتشتاران (جنگیان) شمرده می‌شود:

«وای نیکو جامه زرین، سیمین، گوهرنشان و الغونه (گلگون و سرخ) بس رنگ پوشید که جامه ارتشتاری است، زیرا فراز رونده بودن از پس دشمنان و پتیاره را از میان بردن و آفرینش را پاسبانی کردن خویشکاری اوست.

باید به این نکته توجه داشت که سه رنگ سفید، سرخ و آبی یا کبود، در ایران و هند، نشانه سه بخش عالم (آسمان-هوا-زمین) و سه طبقه اجتماعی (روحانیان-ارتشیان-کشاورزان) شمرده می‌شد. روحانیان جامه سفید می‌پوشیدند و مظهر آسمانی آنها هرمزد بود. جنگاوران جامه‌ای رنگارنگ که سرخ و ارغوانی در آن سهم زیادی داشت می‌پوشیدند و مظهر آسمانی آنها وای بود. کشاورزان جامه‌ای نیلی یا کبود می‌پوشیدند و مظهر آسمانی آنها سپهر بود (بهار، ۱۳۸۱: ۷۴).

شاه نیز به عنوان سرور و ارشد ارتشتاران جامه ارغوانی می‌پوشید و این را رنگ سلطنتی می‌دانستند. «کتزیاس یونانی» طبیب دربار هخامنشی می‌نویسد که شاهان ایران در جشن مهرگان ردای ارغوانی به تن کرده و در مراسم شرکت می‌کردند (رضایی، ۱۳۷۲: ۲۵۶).

در تمام اسطوره‌های پهلوانی مربوط به جنگ و شکار باد نقش مهم و اساسی دارد و سلاح این پهلوانان و خدایان، آذرخش و بادهای گوناگون است. وای با آذرخش و باران‌آوری پیوند دارد، از آنجا که باد ابزار باران‌سازی است، ایزدان باران‌ساز نیز به همان ابزار، به نیروی باد، آب را به ابر انبار کنند و باران بارند (بندهش، ۱۳۹۵: ۹۶).

وای، همکار تیشتر در آمدن باران است: هنگامی که تیشتر ابرها را پدید آورد، فرشته باد به یاری او برخاست. به نفس خویش باد را در فضا به حرکت در آورد. بر همه زمین یکسره باد وزید، ابرها را بگسترد و باران‌ها فرو ریختند. ناچار اهریمن فریاد بر آورد، این باد را بمیرانید. این باد چیره نیرومند را. اگر شما باد را بمیرانید، آنگاه همه آفریدگان را میرانده‌اید (بهار، ۱۳۹۶: ۵۵۷). از این رو «وای» ایزدی نعمت‌بخش نیز است.

ارتباط وای با فره به معنای بخت و تقدیر

وای که در اصل ایزد فضاست، در اساطیر متأخر زردشتی، تن زروان و برابر سپهر شمرده می‌شود و او را «وای درنگ خدای» (دراز عمر) می‌نامند (بهار، ۱۳۹۰: ۷۲). وای در قالب درنگ خدای با تقدیر و سرنوشت پیوند می‌خورد و مسئول بخت و اقبال و

حامل این نیروی غیبی باد دانسته شود. به ویژه که با معنای واژه فروهر هم نسبت دارد. فرّ، یعنی فرا و پیش و هر، یعنی بردن و راندن. فروهر یعنی جلو رفتن و پیشرفت. در فرهنگ زردشتی، جهان پیوسته در حال جنبش و پویایی است. جنبش و پویایی فیزیکی، تکاملی، گوهری و روانی در فرهنگ اوستایی یک واژه دارد: فروهر (رضایی، ۱۳۷۲: ۱۷۴).

برای نشان دادن موجودی نامرئی چون باد که حتی تجسم‌های زمینی‌اش هم (باد طبیعی، نسیم، توفان، دم و بازدم) نامرئی هستند و برای تجسم مفهوم حرکت نیاز به وجود چیزی مرئی است، و نوارهای در حال اهتزاز بهترین نشانه برای تجسم باد و حرکت به شمار می‌رود.

ارتباط ایزد باد با بهرام، مهر، آناهیتا

در دوره ساسانی و هخامنشی تأکید بر خدای یگانه، یعنی اهورامزدا که مقتضای یک امپراطوری همگانی و گسترده بود، کافی نبود و می‌بایست با باورهای مردمی که به لزوم پشتیبانی خدایان بخشنده فرّ اعتقاد داشتند، آمیخته شود. میان ایزدان چهارگانه مهم در زمان ساسانی ارتباطی قوی وجود داشته است.

مهر: مهر در ابتدا ایزد طبقه اول یا روحانیت و حکومت بود. وظیفه او با رسالت ایزد جنگ (ورث‌غنه) در آمیختن و بعدها به صورت ایزد سپاهیان و جنگیان درآمد (مسکوب، ۱۳۹۴: ۷۸). همکاری وای و مهر در جنگ از این بند مهریشت آشکار است: به آن یکی از دو دسته هموردان که از طیب خاطر با منش نیک و اعتقاد حقیقی نماز آورده باشد، مهر دارنده دشت‌های فراخ به همراهی باد پیروزمند و به همراهی داموئیش اوپمن (به معنای قوی و دلیر) به همان طرف روی آورد (پورداوود، ۱۳۵۶: ۴۲۷). ارتباط دیگر مهر با وای از طریق «رام» است. نام ایزد رام همواره با نام مهر می‌آید و لقب او هم بخشنده چراگاه وسیع است. اما در بندهش وای و رام صراحتاً یکی دانسته شده‌اند. در آیین مهرپرستی غربی نیز هوا و باد نقش مهمی دارد. علاوه بر غسل تعمید با هوا که در مورد متشرکان به مقام کلاغ انجام می‌شده، روی بسیاری از نقوش مهری نیز در چهارگوشه آن تصاویر خدایان چهارگانه باد نقش شده است (ورمازرن، ۱۳۷۵: ۱۹۶).

همچنین برای نخستین بار «استارک» در سال ۱۸۶۹ میلادی اشاره کرد که غار میترا می‌تواند نماد هوا و فضای میان زمین و آسمان باشد. این دیدگاه بعداً توسط «بک» و «ولاتسی» تأیید شد. اولاتسی معتقد است که فضای درون غار می‌تواند همچون نمادی برای هوا- وای محسوب شود (وکیلی، ۱۳۹۰: ۲۵۸).

علاوه بر این، پژوهشگران بر موقعیت میانجی مهر اشاره

حرکت، ویژگی ذاتی باد

کلمه وایو از «وا» به معنی وزیدن مشتق شده است. این اسم اشاره به ذات همیشه متحرک باد دارد. در «ریگ ودا» آمده: باد مانند آفتاب و ماه غروب‌کننده نیست (ریگ ودا، ۱۳۶۷: ۴۴). غروب‌نکردن یعنی هرگز از کار و حرکت باز نایستادن. از میان چهار عنصر آب، باد، آتش و خاک که هر یک ارتباطی با جان و روان داشته‌اند، باد به خاطر جنباندن چیزها و ارتباطی که با تنفس دارد، همچون جوهره زندگی تقدیس می‌شد. به سبب جان است که بدن حرکت می‌کند. واژه روح در عربی به معنای باد است و واژه روان در فارسی صفت باد و آب است. اما این باد است که آب را به حرکت در می‌آورد: پس مینوی باد به شکل مردی بر زمین پیدا شد، روشن و بلند... چون جان که تن را بجنباند و تن بدین زور فراز رونده شود، آن مینوی باد سرشتی، باد فضایی را فراز جنبانید. باد آب را بمالانید و به ناحیت‌های زمین افکند. دریای فراخکرت از آن پدید آمد (بهار، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

در رام‌یشت وای خود را چنین می‌نامد: تموج آورنده آب نام من است. موج‌ریزنده نام من است. موج‌انگیز نام من است. زبانه کشنده نام من است (پورداوود، ۱۳۸۸: ۱۵۴). حرکت شعله‌های آتش نیز از باد است. در ریگ‌ودا آمده: باد همه روز از میان شعله‌های او (اگنی) بسان تیری که از چله کمان رها شده باشد می‌گذرد (ریگ‌ودا، ۱۳۶۷: ۶۷). خاک نیز به امر باد حرکت می‌کند و به صورت گردوغبار به هوا بر می‌خیزد. باد، علاوه بر به حرکت درآوردن چیزها، می‌تواند عامل تحرک و آورنده نیروی غیرمحموس و غیبی هم باشد. باد، در نقش «نفس» یعنی هوای دمیده شده که باعث حیات، نیرو و سخن گفتن می‌شود، کارکردی مهم دارد.

«مهرداد بهار» در تفسیر داستان کیومرث، آنجا که اهریمن قصد جان کیومرث را دارد و اهورامزدا با فرستادن خواب به سوی او در هیئت یک مرد جوان پانزده ساله (سن آرمانی) مانع مرگ شده می‌نویسد، می‌توان گمان برد که مرد جوان با صفاتی کمتر یا بیشتر، مظهر باد و نفحه آسمانی باشد که اهورامزدا در هرکس بخواهد و به هر مقصود می‌دمد. این نفحه معمولاً نیروبخش و یاری‌دهنده است؛ همانطور که در جوامع ابتدایی، جوان پانزده ساله با تشرف به جرگه مردان به آن جوامع نیرو می‌بخشید و یاری می‌داد (بهار، ۱۳۹۰: ۹۰). تعبیر دم مسیحایی و تلقی باد به عنوان حامل پیام و سخن، که هنوز هم به کار می‌رود، با این رابطه قدسی پیوند دارد. چنانچه بنا به تعاریفی که از فرّ به عنوان نور، نیرو و درخششی الهی شده که از طرف اهورامزدا در وجود هرکس نهاده شود، بسته به نوع فرّ، دارای قابلیت‌هایی چون ریاست، سلطنت، پهلوانی و نیرومندی و... می‌شود، بنابراین عجیب نیست اگر

ظرف می‌ریزد نیز موج هستند و مصداق این صفات باد است (تصویر ۶).

با توجه به ویژگی‌های ایزد باد و ارتباط او با فرّه و بخت و اقبال و نقش او به عنوان ایزد جنگ و ایزدی برکت‌آور می‌توان صحنه‌های جنگ و افراد و موجوداتی را که دارای نوار هستند مورد بررسی قرار داد.

شاه رزمنده: فضایل سربازی همواره جزئی از صفات شاهان ایرانی برای اثبات مشروعیت‌شان محسوب می‌شد. بنابراین شاهان ساسانی هنگام جنگ پیشاپیش سپاه قرار می‌گرفتند تا ثابت کنند که به سبب دلیری و مهارت‌های نظامی، فرّ کیانی دارند و الطاف خدایان شامل حالشان است (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۲۴۶). جنگ، علاوه بر جنگ واقعی با دشمن، یک معنای نمادین مذهبی هم داشته است. از همان ابتدا میان اهورامزدا و اهریمن جنگ و مبارزه برقرار بوده و انسان در این پیکار نقش بسیار مهمی برعهده داشته است. او به عنوان سرباز اهورایی باید تا جان در بدن داشته بر علیه شر و پیشبرد خیر و نیکی بکوشد. وجود نوارهای موج می‌تواند نشانه این فرّ و نیز نشانه بخت و اقبال بلند شاه بوده و به طور ضمنی به حمایت ایزد جنگ و نقش او در حفظ و افزونی فرّه و نعمت‌آوری حاصله از پیروزی در جنگ اشاره داشته باشد. دو مورد در نقوش ساسانی وجود دارد که می‌تواند شبهه‌برانگیز باشد. یکی سنگ‌نگاره نبرد اردشیر با اردوان در فیروزآباد فارس (تصویر ۷) و دیگری نگین ساسانی متعلق به کتابخانه موزه ملی پاریس (تصویر ۸) که نبرد تن به تن شاپور با امپراطور روم را نشان می‌دهد. در هر دو صحنه، اردوان و قیصر روم دارای نوار هستند. برای توضیح وجود نوارها بر لباس دشمن چند دلیل می‌توان ارائه داد. در مبارزه تن به تن، هر قدر رقیب قوی‌تر و نامدارتر باشد، غلبه بر او افتخارآمیزتر و عظیم‌تر خواهد بود و فرّه شخص پیروز را افزون‌تر خواهد کرد. اردوان، شاهنشاه اشکانی بایستی فرّه داشته باشد. اما این فرّه می‌توانسته از شاه نالایق جدا شده و به شخص دیگری بپیوندد. نبرد اردشیر که یک حاکم محلی بود با اردوان مدتی طول کشید تا بالاخره اردوان شکست خورد و کشته شد. داستان گسستن فرّ از اردوان و پیوستن آن به اردشیر در کارنامه اردشیر بابکان آمده که فرّ به صورت قوچی به دنبال اردشیر که در حال فرار برای تدارک شورش بود، روان شد تا بالاخره به او رسید و پشت اسبش نشست. در سنگ‌نگاره تعداد و شکوه نوارهای اردشیر بیشتر از اردوان است. علاوه بر این اردوان در حال سقوط از اسب دیده می‌شود که نشانه سقوط او از اریکه قدرت و از دست‌رفتن فرّ اوست. شکست اردوان، شاهنشاه اشکانی توسط حاکم محلی او اردشیر، آنقدر افتخارآمیز و بزرگ بوده که اردشیر آن را در

کرده‌اند که او را در موقعیت وای قرار می‌دهد. «ویندیشمان» در مقاله مهمی (۱۸۷۵) مهر را با وای همانند دانست. مرجع اصلی او بندش بود که در آن «وای» ایزدی میانجی بین زمین و آسمان و در میان قلمرو مینو و گیتی حایل شده است (همان: ۳۳۰).

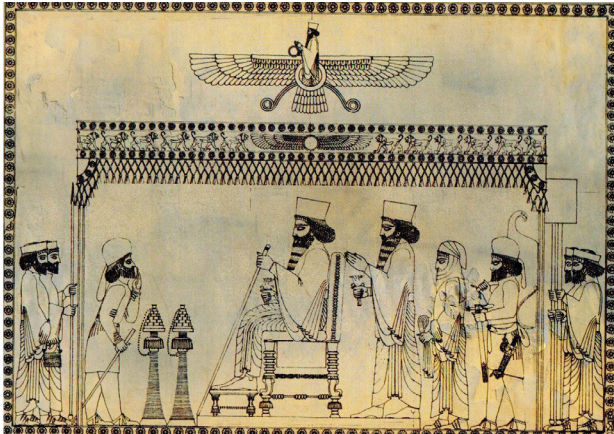
«پلوتارک» نیز خیلی قبل نوشته بود هرمز به روشنی محض و اهریمن به ظلمت محض شبیه و مهر واسطه‌ای میان این دو است. واسطه بین نور و ظلمت میتی است که ایرانیان او را «میتس میانجی» می‌نامند (رضایی، ۱۳۶۸: ۲۵۶ و ۴۱).

بهرام: وای ایزد جنگ است و بهرام ایزد پیروزی. ارتباط تنگاتنگ این دو از طریق ارتباط وای و ایندیره نشان داده می‌شود. در ریگ ودا، وای و ایندیره هر دو ایزد هوا و فرمانروای طبقه جو در میان سه طبقه آسمان-هوا-زمین بوده‌اند. درباره آنها آمده: آن دو توأمان نیرومندند که با هم می‌تازند و به یاری آریایی‌ها می‌آیند. اندرا و وایو شاهانی هستند که ستم روا نمی‌دارند و سلطان دو جهان‌اند (ریگ‌ودا، ۱۳۶۷: ۷۴). بیانگرترین عنصر بهرام برای پیگیری تبارش، نام اوست. بهرام در فارسی تغییر یافته و رثرغنه است. واژه‌ای که مقاومت‌شکن و اژدهاستیز معنی می‌دهد. و رثرغنه اوستایی همان وریترهن و دایی است که لقب خدای جنگاور و سلحشور هوا، یعنی ایندیره بوده است (وکیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). باید گفت همچنان که وای در آیین زردشتی به وای خوب و وای بد تقسیم شد، همتای او ایندیره نیز دو جلوه یافت. سوئی نیک جنگاورانه و دشمن‌شکن او در قالب بهرام تبلور یافت و سوئی خشمگین و کینه‌توزش به صورت دیو ایندیره باقی ماند و طرد شد.

در بهرام‌یشت دوگونه از تجسم‌های ده‌گانه بهرام، یکی به صورت بادی تند و دیگری به شکل مرغ وارغن، مستقیماً با باد نسبت دارد. در تجسم‌های دیگرش هم همه‌جا فعل وز آمده که در پهلوی وزیتن و وزیدن فقط برای باد به کار برده می‌شود.

بهرام ارتباطی روشن با فرّه دارد و همکار و یار مهر و رام (وای) است. همانطور که اشاره شد بهرام در کالبد باد به سوی زردشت وزید و برای او فرّ مزدا آفریده را آورد او همچنین به چهره باد برای مردمان فرّه، درمان و نیرو می‌آورد.

ناهیتا: ناهیتا ایزدبانوی آب و باروری از محبوب‌ترین ایزدان و دارای بیشترین معابد بوده است. در آبان‌یشت گردونه ناهیتا را چهار اسب می‌کشند که عبارت‌اند از: باد، باران، ابر، تگرگ. در تیریشت می‌خوانیم که این باد است که ابر و تگرگ و باران را به هفت کشور می‌راند. در رام‌یشت آمده که وای، موج‌آورنده، موج‌ریزنده و موج‌برانگیز است. یعنی موجودی که باعث حرکت آب است. در نقش تاج‌گیری نرسی از ناهیتا، علاوه بر نوارهای در حال اهتزاز، لباس ناهیتا و آبی که از



تصویر ۷. فروهر. مأخذ: <http://www.beytoote.com>



تصویر ۸. نبرد شاپور با امپراطور روم، مأخذ: پوربهمن، ۱۳۸۶.



تصویر ۹. آناهیتا- تاق بستان، مأخذ: پوربهمن، ۱۳۸۶.

دید. نتیجهٔ وزش باد بر نوارهای اردشیر و اردوان در فیروزآباد، در نگارهٔ نقش رستم ظاهر می‌شود: اهورامزدا و اردشیر هر دو سوار بر اسب در حالی تصویر شده‌اند که اهریمن در زیر سم اسب اهورامزدا و اردوان در زیر سم اسب اردشیر لگد کوب شده‌اند (تصویر ۱۱).

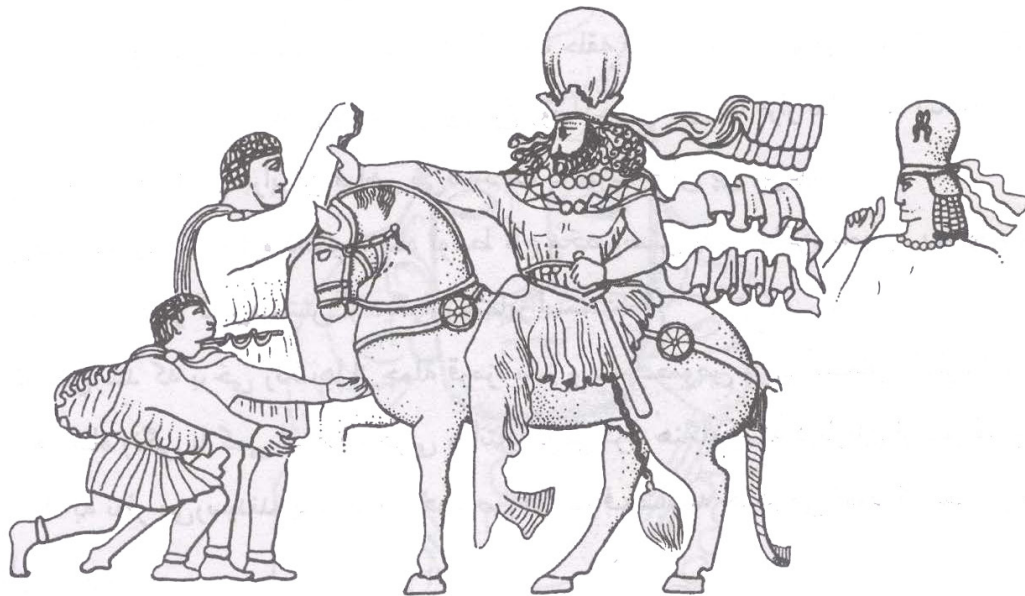
شاه شکارگر

شکار و نخجیر از فعالیت مورد علاقهٔ شاهان و بزرگان و اشراف بود. هنگامی که جنگ نبود به شکار می‌رفتند و این کار نماد آمادگی برای پیکار محسوب می‌شد (دریایی، ۱۳۷۷: ۱۶). پیروزی در شکار به معنای باقی‌بودن فره سلطنت در شاه و فره‌افزونی بوده است. مهرداد بهار می‌نویسد: در دوران اشکانی شکار چندان اهمیت داشت که اگر شاهی بدان عشق نمی‌ورزید، از سلطنت برکنار می‌شد (بهار، ۱۳۹۰: ۹۲). پیروزی در جنگ و شکار در راستای خویشکاری نعمت‌بخشی شاه هم بود. جشن نوروز و جشن مهرگان در ارتباط با باروری و نعمت‌بخشی بوده‌اند. در زمان هخامنشی، هر سال شاه باید در مراسم شکار و تیراندازی‌های سنتی نوروز شرکت کند، و

سه سنگ‌نگاره حک کرده است.

همین دلیل در مورد پیروزی شاپور بر والرین قیصر روم نیز صدق می‌کند. روم قوی‌ترین دشمن و تنها رقیب ایران در آن زمان بود و پیروزی بر او بسیار مهم تلقی می‌شد. در آن نگین، شاپور با گرفتن مچ دست رقیب، بدون این‌که حتی شمشیر خود را از نیام بیرون آورد، پیروزی قطعی خود و خلع ید از والرین را اعلام می‌دارد. در سنگ‌نگاره‌ای هم که پیروزی شاپور بر رومیان را نشان می‌دهد (تصویر ۹) امپراطور روم هنوز تاج برگ غار را بر سر و ردای سلطنتی را بر دوش دارد تا نشان بدهد او که بوده، اما از نشانه‌های دیگری شکست او معلوم می‌شود. شاه سواره و قیصر روم پیاده است و اینکه جلو اسب شاه زانو زده و دست‌های خود را به حالت التماس بلند کرده، و مهمتر از همه نقش فرشتهٔ پیروزی که به سمت شاه پرواز می‌کند و حامل فره است (تصویر ۱۰).

اگر به نقش باد در تقدیر و سرنوشت، به دو چهرهٔ باد که به سودمندی (فرارون) یا زیانمندی (بادهنج) می‌وزد و این خویشکاری باد که پاسبانی آفرینش اهورامزدا و از بین‌بردن دشمنان اوست، توجه کنیم، در اینجا می‌توان مصداق آن را



تصویر ۹. پیروزی شاپور بر رومیان، مأخذ: پوربهمن، ۱۳۸۶.

حمایت از خانواده و اتباع کشور، توسط شاه فره‌مند و دفع حمله نیروهای شر و اهریمنی توسط او باشد. پیروزی او سبب برکت‌بخشی و نعمت‌آوری خواهد بود. اهتزاز شال‌های شاه می‌تواند نشانه این نعمت‌آوری، بخت و اقبال شاه و افزونی فره او شمرده می‌شود.

نمونه دیگر شکارگاه تاق بستان است (تصویر ۱۳). سودآور درمورد این نقش تاق بستان و ظهور هاله در پشت سر شاه هنگام پایان یافتن شکار، این را نشانه موفقیت شاه و فری می‌داند که از کشتن سیاع به دست آمده است (سودآور، ۱۳۸۳: ۲۱). اما نکته دیگری هم در این نگاره وجود دارد و آن وجود دو آهوی نواردار در میان سایر آهوان و حیوانات است. وجود آهوان نواردار می‌تواند نماد فری باشد که شاه به وسیله شکار در پی کسب آن است و وجود هاله گرد سر شاه در پایان شکار نشانه موفقیت شاه و فره‌افزونی است.

موجودات و چیزهایی که علاوه بر شاه و ایزدان دارای نوار هستند عبارتند از:

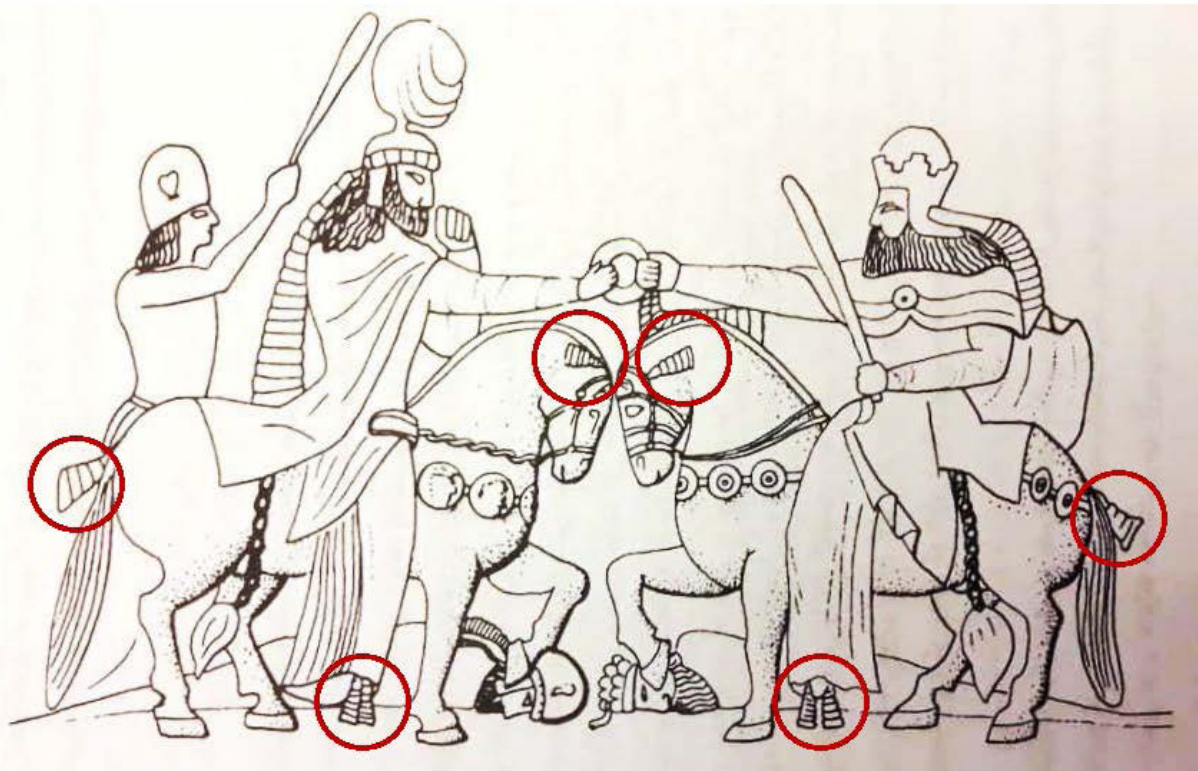
اسب: بعد از شاه، بیشترین نوارها بر بدن اسب شاه دیده می‌شود. اسب، علاوه بر اهمیتی که به عنوان مرکوب در جنگ و شکار داشته است، یک الگوی ازلی است و در تمامی اسطوره‌ها و قصه‌ها، گاه مرگ و گاه زندگی را بر پشت خود تحمل می‌کند. اسب نماد دو وجهی است. او که الگوی عقل و غریزه مهار شده و مطیع و منقاد است، نماد هوس و سرکشی



تصویر ۱۰. پیروزی شاپور بر امپراتور روم با نقش فرشته پیروزی در بالا- تنگ چوگان، مأخذ: جوادی، ۱۳۸۸.

اگر نمی‌توانست چنین کاری بکند، دیگر نمی‌توانست شاه باشد (بهار، ۱۳۹۰: ۲۷۱).

بنابراین صحنه‌های شکار در زمان ساسانی نمادین هستند. چنان‌که در سنگ‌نگاره سر مشهد (تصویر ۱۲) بهرام در حال مبارزه با شیرهای درنده است. این تصویر که شاه را در کمال خونسردی و ایستاده نشان می‌دهد که با یک دست، دست ملکه را در دست دارد و با دست دیگر در حال کشتن شیری است، می‌تواند به طور نمادین نشان‌دهنده قدرت دفاع و



تصویر ۱۱. تاج‌گیری اردشیر اول از اهورا مزدا - نقش رستم، مأخذ: پوربهمن، ۱۳۸۶.

اسلحه-کمان: سلطنت با قدرت پیوند دارد و اعمال قدرت بدون سلاح ممکن نیست. سلاح بی‌فرّه، به معنی سلاحی که در دست شخص بی‌فرّه و نابکار است، کارایی ندارد. در مهریشت آمده: تیرهای با پر عقاب آراسته، نیزه‌های خوب سرتیز... و گرزهای خوب پرتاب شده دروغ‌گویان و پیمان‌شکنان کارگر نخواهد بود و به هدف نخواهد رسید (همان: ۴۴۵).

پدیدارشدن نوارها روی کمان در دوره ساسانی می‌تواند تأکید بر فرّه‌مندی و مشروعیت قدرت شاه و حمایت ایزدان، به ویژه ایزد جنگ باشد، چنان‌که در داستان آرش کمانگیر آمده است: آرش، برای تعیین مرز ایران و توران همه توان خود را به کار گرفت و تیر خود را از کمان رها کرد و خود جان داد. تیر به همراه ایزد هوا (وایو) راهی دراز طی کرد و در مرو بر بن درختی فرود آمد و مرز ایران گشاده‌تر شد (فرّه‌وشی، ۱۳۵۵: ۳۷).

آتشدان: تقدس آتش و فرّ آن امری واضح است. آذر یکی از ایزدان دین مزدیسنی است. برخی آتش را پاره‌ای از وجود اهورامزدا و برخی پسر او خوانده‌اند. در یشت نوزده، در نبرد بین آذر و اژی دهاک بر سرگرفتن فرّه ناگرفتنی، آتش پیروز می‌شود (گویری، ۱۳۸۵: ۱۱۶). همکاری آذر و وای در مبارزه با دیوان و آوردن باران نیز در متون زردشتی آمده است. ارتباط و همکاری دیگر باد و آتش در اساطیر مزدیسنی

هم هست. اسب، مرکب، محمل و مظروف انسان است و بدین ترتیب سرنوشتش از انسان جدایی‌ناپذیر است (فضایلی، ۱۳۸۷: ۲۳).

میان اسب و باد نیز پیوندی وجود دارد. باد، سریع‌ترین ایزد و اسب سریع‌ترین مرکب بوده است. وجود اسب بالدار مؤید این نکته است. در اساطیر و افسانه‌ها، اسب، گاه بادی، گاه آبی، گاه آتشین و گاه خاکی و در ارتباط با چهار عنصر بوده است (همان: ۲۴).

گیرشمن در مورد اسب بالدار که بر روی استودان بیشاپور گردونه میترا را می‌کشد می‌نویسد: نوارهای مواجی که به گردن و زیر زانوان او بسته شده و هلال گوی‌داری که بر بالای پیشانی‌اش قرار دارد و منظره «تقدس آمیزش» نشان می‌دهد که آن نیز یک نیروی شاهی است که ایزدی آن را تقدیس کرده است (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۲۴۵).

بنابراین، وجود نوارها بر بدن اسب، انعکاسی از فرّه، تقدس و مشروعیت قدرت راکب آن است و تأکیدی بر آن به شمار می‌رود. **سایر حیوانات**: تمامی حیواناتی که دارای نوار هستند، نماد فرّه یا نماد ایزدان هستند. پرندگان همواره نماد هوا و در عین حال می‌توانند نماد ایزدی هم شناخته شوند. مانند وارغن یا شاهین که نماد فرّه، و هم نماد بهرام شناخته می‌شود که بر فرّه‌مندی و باد سرشت بودن او دلالت دارد.



تصویر ۱۲. شاه در حال شکار. مأخذ: پوپ، ۱۳۳۸.

ساسانی نشانه پیوند فرّ آتش-که نماینده فرّ اهورامزدا- است و فرّ سلطنت -که انعکاس فرّ اهورامزدا- بوده و باد رابط این دو است.

هلال ماه و میوه انار- هلال ماه و میوه انار نماد آناهیتا است. ایزدان دارای فرّه مخصوص بوده‌اند. پیوند فرّ آناهیتا با فرّه سلطنت، نشانه حمایت این ایزد شاه است.

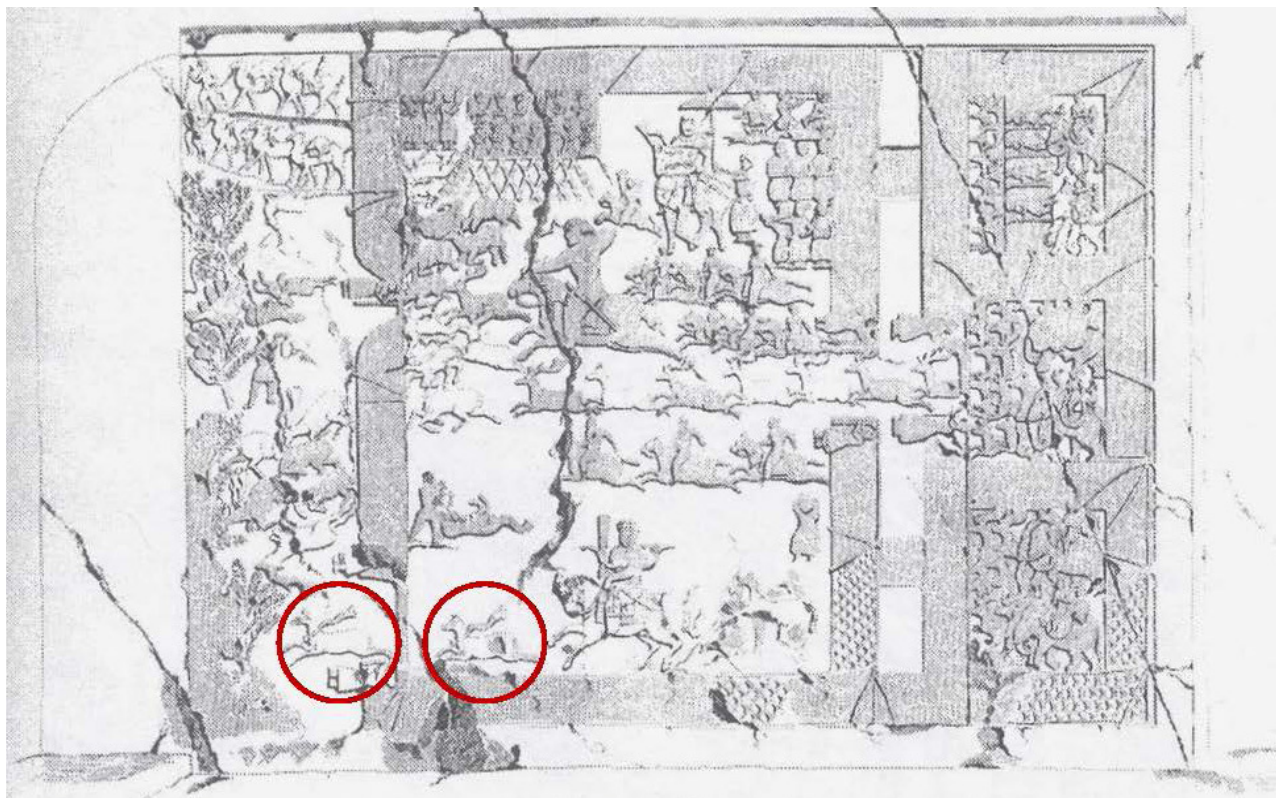
نتیجه‌گیری

ساسانیان که در پی تشکیل حکومتی متمرکز و قوی مانند دوره

از طریق آتش «وازشت» (پیش برنده‌تر، سودمندتر) است. آتشی که در ابر با باد حرکت می‌کند. آذرخش نیز ترکیبی از عناصر باد و آتش است (زمردی، ۱۳۸۲: ۱۲۱).

در اساطیر هند نیز اگنی را یکی از ماروت‌ها (خدایان توفان و فرزندان وایو) دانسته‌اند. گردونه‌اش را اسب‌های قرمز می‌کشند و بادهای هفت‌گانه چرخ‌های آن است. اگنی، سوار بر باد در همه جوانب فلک پراکنده می‌شود. باد همه روز از میان شعله او می‌گذرد (ریگ‌ودا، ۱۳۶۷: ۸۴ و ۹۸).

وجود نوار بر بدنه بعضی از آتشدان‌های یشت سکه‌های



تصویر ۱۳. شکارگاه- تاق بستان. مأخذ: جوادی، ۱۳۸۸.

۶ وای، به عنوان پهلوانی که با موجودات اهریمنی می‌جنگد و با نابودی آنها برکت و نعمت به بار می‌آورد، با نقش شاه شکارگر مربوط است.

به‌طور کلی «وای» با ویژگی‌های خود با فرّه و هرچه سبب افزونی فرّه می‌شود مرتبط است و نماد مناسبی به نظر می‌رسد که می‌توانسته هدف شاهان را تحقق بخشد. علاوه بر این شاید به طور ضمنی آن چهره نیرومند و خشن و دشمن شکن باد را هم برای ارباب رقیبان و دشمنان در نظر داشته‌اند.

پی‌نوشت

*. مقاله حاضر برگرفته از کارگاه نظریه‌های نو با موضوع «ارتباط ایزد باد (وای) با نوارهای در حال اهتزاز ساسانی» است که به سخنرانی نگارنده در سال ۱۳۹۷ در پژوهشکده نظر برگزار شد.

فهرست منابع

- برن، لوسیلا و همکاران. (۴۸۳۱). جهان اسطوره‌ها (اسطوره‌های یونانی، رومی، اسکانندیناوی، مصری، سلتی) ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- بندهش فرنیخ دادگی. (۱۳۵۹). گزارنده مهرداد بهار، تهران: توس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۱). ادیان آسیایی، تهران: چشمه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۹۰). از اسطوره تا تاریخ. تهران: چشمه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۹۶). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگاه.

هخامنشی بودند، به سبب دشمنی با اشکانیان، نماد فرّه را تغییر دادند. این نماد که همواره با بال همراه بود، به صورت حلقه‌ای نواردار درآمد. نوارها که جای یال را گرفته بودند، همان وظیفه، ارتباط با نیروهای آسمانی را، برعهده داشتند. تکرار این نوارها بر لباس و تاج و اسب و کمان شاه نشانه تأکیدی بود که شاهان بر فرّه‌مند بودن خود داشتند. تراکم نمادهای مختلف از ایزدان و حتی نمایش اهورامزدا و مهر و ناهید در سنگ‌نگاره‌ها نیز به همین دلیل است. با توجه به هدف ایجاد این آثار، می‌توان گفت نمادهای به کار رفته برای مردم آن زمان آشنا و قابل درک بوده است. نوارهای موج و در حال اهتزاز که در نگاه اول باد را تداعی می‌کنند، می‌توانسته ارتباط ایزد باد را با فرّه، و سایر ویژگی‌های او را در اذهان بینندگان تداعی کند و به عنوان نمادی جدید با آنها ارتباط برقرار سازد. انتخاب این نماد به چند دلیل موجه به نظر می‌رسد:

۱. وای، در قالب «وای درنگ خدای» با بخت و تقدیر ارتباط دارد.
۲. وای به عنوان دم الهی می‌تواند آورنده فرّه یا سبب افزونی آن باشد.
۳. وای با فرّه و ایزدانی که آورنده فرّه یا حافظ آنند در ارتباط است.
۴. وای، به عنوان ایزد جنگ با خویشکاری شاه به عنوان شاه رزمنده که دفاع، ایجاد امنیت و صلح و نعمت‌های حاصله از آن است، ربط دارد.
۵. وای، به عنوان ایزدی باران‌آور و نعمت‌بخش، با نقش نعمت‌بخشی شاه در ارتباط است.

- پوربهمن، فریدون. (۱۳۸۶). *پوشاک در ایران باستان*، ترجمه: هاجر ضیاءسیلکارودی، تهران: امیرکبیر.
- پوپ، الکساندر. (۱۳۳۸). *شاهکارهای هنر ایران*، اقتباس و نگارش: پرویز خانلری، با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۵۶). *یشت‌ها*، جلد ۱ و ۲، گزارش پورداوود، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جواد، شهره و آرزومانی، فریدون. (۱۳۸۸). *سنگ‌نگاره‌های ساسانی*. تهران: بنیادنیشابور، بلخ.
- دریایی، تورج. (۱۳۷۷). *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۶۸). *تاریخ ده هزارساله ایران*، تهران: نشر اقبال.
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۷۲). *اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان*، تهران: نشر موج.
- زمردی، حمیرا. (۱۳۸۲). *نقد تطبیقی ادیان و اساطیر*، تهران: زوار.
- سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۳). *فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*. هوستون: میرک.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۷). *تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*، تهران: هیرمند.
- فره‌وشی، بهرام. (۱۳۵۵). *جهان فروری بخشی از فرهنگ ایران کهن*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فضایی، سودابه. (۱۳۸۷). *شبرنگ بهزاد*، تهران: جیحون.
- کمبل، جوزف. (۱۳۸۳). *اساطیر مشرق زمین*، ترجمه: علی‌اصغر بهرامی، تهران: جوانه رشد.
- ریگ‌ودا. (۱۳۶۷). ترجمه: سید محمدضا جلالی نایینی، تهران: نشر نقره.
- گویری، سوزان. (۱۳۸۵). *آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی*، تهران: ققنوس.
- گیرشمن، رمان. (۱۳۷۰). *هنر ایران در دوران پارتنی و ساسانی*، ترجمه: بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدپناه، بهنام. (۱۳۸۵). *کهن دیار*، تهران: سبزان.
- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۹۴). *درآمدی به اساطیر ایران*، تهران: فرهنگ جاوید.
- مک‌کال، هنریتا. (۱۳۷۳). *اسطوره‌های بین‌النهرینی*، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- موله، ماریژان. (۱۳۷۷). *ایران باستان*، ترجمه: ژاله آموزگار، تهران: چشمه.
- ورمازن، مارتین. (۱۳۷۵). *آیین میترا*، ترجمه: بزرگ نادرزاده، تهران: چشمه.
- وکیلی، شروین. (۱۳۹۰). *اسطوره‌شناسی ایزدان ایرانی*، تهران: شورآفرین.
- ویسهوفر، جان. (۱۳۷۷). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

جلالیان، مینا. (۱۳۹۷). ارتباط ایزدباد (وای) با نوارهای در حال اهتزاز ساسانی. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۶ (۲۲): ۵-۱۸

DOI:10.22034/jaco.2019.81917

URL: http://www.jaco-sj.com/article_81917.html

